irannewspaper.ir

• چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۲۱۳
• اذان ظهر ۱۲/۰۶ • اذان مغرب ۱۹/۴۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۳ • اذان صبح فردا ۳/۰۲ • طلوع آفتاب فردا ۴/۴۹

# ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
• مهدی مهرپور(اقتصادی)
• مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

• آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

ای خان و مان بمانده و از شهر خود جدا
شاد آمدیت از سفر خانه خدا
روز از سفر به فاقه و شب‌ها قرار نی
در عشق حج کعبه و دیدار مصطفا
مالیده رو و سینه در آن قبله‌گاه حق
در خانه خدا شده قد کان آمنا

**مولانا، غزلیات شمس**

## سخن روز

**رسول خدا(صلی الله علیه وآله):**
عبادت و کار نیک درهیچ ایامی به اندازه این ایام (ده روز اول ماه ذی الحجه) فضیلت ندارد.
(اقبال، ص ۳۱۷)

## نگاره

### بزرگ شدن با کتاب

**نیما شاه‌میری**/ طراح و کارتونیست

## فضای مجازی

چالش فیلمسازی ناصر تقوایی، ادای احترام بهزاد عبدی به استادش، درسی برای دوستداران بازیگری از زبان رضا میرکریمی و برخی اخبار دیگر را در فضای مجازی امروز بخوانید.

### امامت، به سپیدی محاسن نیست

اکانت توئیتری حجت‌الاسلام محمدمهدی میرباقری نوشت: «علی بن جعفر، عموی امام رضا (ع) در مسجد به استقبال امام جواد (ع) رفت و نعلین حضرت را پاک کرد و دست ایشان را بوسید. شاگردان، او را سرزنش کردند که شما عموی پدر ایشان و محدث بزرگی هستید. گفت: «ساکت باشید خدای متعال محاسن سپید من را لایق امامت ندانسته و این طفل را لایق دانسته است. او امام من است.»

### میرحسین موسوی جلوی فیلم ناصر تقوایی را گرفت

مهدی مسعودشاهی، مدیرکل نظارت و نمایش سینمایی در دهه شصت در گفت‌وگو با پایگاه خبری حرفی نو گفته است: «ناصر تقوایی به دفتر من آمد و گفت درباره یکی از شهدای انقلاب کلی تحقیقات جمع کردم، می‌خواهم به لبنان بروم و درباره او یک کار اساسی انجام دهم. وقتی موضوع را به میرحسین موسوی گفتم اجازه نداد و گفت کار تقوایی ارزش ندارد، درنهایت یک مستند ۳۰ دقیقه‌ای بسازد. وقتی جواب موسوی را به ناصر تقوایی گفتم حالش خیلی بد وناراحت شد.»

### شاگردی کردن آهنگساز برجسته کشور

بهزاد عبدی، آهنگساز در استوری اینستاگرامش درباره فرهاد فخرالدینی نوشت: «در آخرین اثرش هم که برای اولین بار ارکستر ملی خواهد نواخت، درخشان است. شاگردتان بودم. شاگردتان هستم.»

### درسی برای جوانانی که سودای بازیگری دارند ولی خاک صحنه نخورده‌اند

رضا میرکریمی، کارگردان که این روزها فیلم «نگهبان شب» را روی پرده دارد درباره بازیگر پیشکسوت فیلمش نوشت: «استاد علی اکبر اصانلو با سابقه بیش از ۵۰ سال کار هنری بویژه در تئاتر و چند دهه معلمی در مدارس از پیشکسوتان فرهنگی شهر زنجان است. بعد از فراخوان جذب بازیگر برای فیلم نگهبان شب، با اینکه آشنا بودیم و همشهری، ولی حیا و مناعت طبع حرفه‌ای‌اش اجازه نداد مستقیم با من تماس بگیرد یا کسی را واسطه کند. کافی بود پیامکی بفرستد یا عکسی از خود تا ذهن فراموشکارم را متوجه گنج جلوی چشمانم کند. ولی متواضعانه مثل جوان‌های تازه‌کار فرم پر کرد، به کارگاه ساختمانی رفت و ویدیویی از خود متناسب با نقش بنا در قصه، ضبط کرد و روی سایت گذاشت. اینها را نوشتم برای درس‌آموزی از نسلی که به معنای کامل کلمه خاک صحنه خورده و این حرفه برایش بازیچه‌ای زودگذر نیست. با اجازه استاد بخشی از تست ارسالی ایشان قبل از فیلمبرداری را هم با شما به اشتراک می‌گذارم. درس بزرگی برای خودم و همه جوانان با استعدادی که سودای بازیگری دارند ولی...»

### تاریخچه آب لوله‌کشی در تهران

اکانت توئیتری موقوفات دکتر محمود افشار، بخشی از کتاب «مردم‌شناسی جامعه تهران قدیم» را درباره تأمین آب تهران این طور بازتاب داده است: «بزرگ‌ترین مشکل مردم تهران پس از روشنایی، تأمین آب کشاورزی و آب سالم خوراکی و شست‌وشو بود. اهمیت تأمین آب برای مردم پایتخت از دوره محمدشاه قاجار احساس شده بود و گردانندگان مملکت و مردم نیکوکار به فکر چاره‌جویی و برطرف‌کردن تنگناها بودند. سابقاً آب کشاورزی و خوراکی مردم تهران بیشتر از آب چشمه‌ها و قنات‌ها تأمین می‌شد. کهن‌ترین و مهم‌ترین قنات‌ها، قنات حاج علی‌رضا بود که در زمان فتحعلی شاه احداث شد و مظهرش در سرچشمه بود. مهم‌ترین قنات‌هایی که در دوره ناصری و مظفری از آنها استفاده می‌شد، اینها بودند: قنات فرمانفرما، قنات میرزا علی‌خان امین‌الدوله، قنات امین‌السلطان، قنات حسن‌آباد، قنات شاه و چند قنات دیگر. لوله‌کشی آب تهران از رویدادهای تمدن جدید شهری بود که از اواخر دوره قاجار و زمان رضاشاه، گفت‌وگوهایی درباره تأسیس آن در جریان بود. سرانجام، پس از سال‌ها گفت‌وگو و کشمکش، لایحه قانونی لوله‌کشی تصویب و در تیرماه ۱۳۲۶ کلنگ ساختمان اداری لوله‌کشی در میدان سنگلج بر زمین زده شد. از بهمن ماه ۱۳۲۹ نیز کشیدن لوله آب در شهر تهران را آغاز کردند. نخستین‌بار در مرداد ۱۳۳۲ آب لوله‌کشی در بخشی از شبکه شهر جاری شد و انشعاب آن از آبان ۱۳۴۴ به خانه‌ها رسید و به‌تدریج نواحی و محله‌های مختلف تهران لوله‌کشی شد. آب لوله‌کشی تهران از رودخانه‌های کرج و چندین چاه عمیق و قنات، تأمین می‌شد.»

## نقل قول

**کامیار عابدی**
پژوهشگر و منتقد ادبی

### جنبه رسانه‌ای شعر کمرنگ شده است

با رایج شدن روزنامه‌ها، دیگر جای رسانه‌ای به نام شعر کمرنگ شد. با این همه باید به این نکته توجه کرد، زبان فارسی اصولاً یک زبان آهنگین است و این زبان آهنگین از طریق شعر مخصوصاً شعرهایی که در قالب‌های عروضی است، یعنی وزن و قافیه دارد، امکان تأثیرگذاری اجتماعی را بیشتر می‌کند. طبعاً در جهان قدیم جنبه رسانه‌ای شعر خیلی نیرومندتر بود. دستگاه حاکمیت و خانقاه‌ها دو پایگاه مهم شعر بودند و از شعر به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای جنبه تبلیغی و وجه اندیشگی و ایدئولوژی سیاسی خیلی استفاده می‌شد، بنابراین بسیاری از شاعران در این دو جایگاه کارکرد رسانه‌ای به شعر داده بودند. البته بعد از سعدی در قرن هفتم این موضوع تا حدی کمرنگ شد. سعدی احتمالاً اولین یا یکی از اولین شاعرانی بود که شعر را از این قلمرو دور کرد و نقش یک ناصح مشفق را برعهده گرفت؛ یعنی کسی که نصیحت می‌کرد و در عین حال شفقت داشت که کارها در مجرای خوب قرار بگیرد و حق و حقوق مردم ضایع نشود و از بین نرود.

**| بخشی از گفت‌وگوی کامیار عابدی، پژوهشگر و منتقد ادبی با ایسنا**

## یادداشت

**رها قیاثی**
پژوهشگر حوزه زنان

### منطقِ حجاب

طرح حجاب به مثابه امر شخصی و فردی که در دایره حقوق اولیه انسانی جای می‌گیرد، مهم‌ترین استدلال مخالفان حجاب الزامی به شمار می‌رود. اتفاقاً در این یادداشت نقطه عزیمت من برای اثبات حجاب الزامی، پذیرش حجاب به مثابه امر شخصی خواهد بود و هیچ بحث درون دینی در این زمینه نخواهم کرد.

فرض کنیم که حجاب و پوشش یک امر شخصی و در حیطه انتخاب شخص قرار داشته و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا امور شخصی و فردی در زندگی اجتماعی می‌توانند موضوع مداخله دیگری قرار گیرند یا خیر؟ یعنی آیا می‌توان شرایطی را تصور کرد که شخصی‌ترین امور زندگی افراد با اعمال محدودیت، دخالت، اجبار و... مواجه شود و این دخالت نیز منطقی و مشروع به نظر بیاید؟

پاسخ من به سؤالم مثبت است. در ادامه منطق روشنی را برای مشروعیت این مداخله با ذکر مثال ارائه می‌دهم:

مثال اول: قطعاً تصدیق می‌کنید که امری شخصی‌تر از سلیقه و ذائقه غذایی افراد وجود ندارد! من حق دارم انتخاب کنم که چه غذایی بخورم و چه غذایی نخورم. حال شرایطی را تصور کنید که در آن کارشناسان سلامت و بهداشت که همان پزشکان هستند نسبت به فست‌فودی شدن سبک تغذیه جامعه هشدار داده و آن را یکی از دلایل مهم ابتلای مردم به بیماری‌های مختلف از جمله کبد چرب، سرطان، چاقی مزمن و... تلقی کرده و ادامه این روند را بحرانی برای وضع سلامت افراد بدانند. آیا در این شرایط می‌توان نسبت به انتخاب غذایی افراد حساس شد و اقدام به مداخلات فرهنگی از جایگاه رسانه یا سیاستی از جایگاه وزارت بهداشت کشور کرد؟ آیا در این شرایط می‌توانیم به مردم بگوییم لطفاً فست‌فود نخورید یا کمتر بخورید یا به لحاظ ساختاری شرایطی را ایجاد کنیم که به اعمال محدودیت در خوردن فست‌فود در جامعه منجر شود؟ یقیناً به حکم عقل این مداخله کاملاً مشروع است.

مثال دوم: نحوه خرج کردن پول توسط فرد، یکی دیگر از آن حقوق شخصی و فردی است که ظاهراً کسی حق ندارد به او بگوید پولت را این‌گونه خرج کن و فلان چیز را بخر یا نخر!

حال اگر ثبات در بازار ارز، طلا، مسکن و... را براساس توافق جمعی، وضع بهنجار اقتصادی تلقی کنیم، هر پدیده‌ای که این وضع بهنجار را به مخاطره انداخته و ثبات را از بین ببرد باید آن را حذف یا کنترل کنیم.

براساس نظرات قریب به اتفاق همه کارشناسان اقتصادی و تجربه عمومی همه ما، رشد نقدینگی در جامعه و عدم کنترل آن باعث ایجاد تورم و از بین رفتن ثبات در بازارهای ارز، طلا، مسکن و... می‌شود. تجربه ما در این سال‌های اخیر هم نشان داده که وقتی پول در دست مردم زیاد باشد و دولت برای هدایت آن برنامه‌ای نداشته باشد، مردم این پول را به سمت این سه بازار اصلی هدایت کرده و باعث برهم خوردن نظم آن می‌شوند. حال عقلاً و منطقاً باید به این حکم کنیم که یک کسی(مهم نیست چه کسی) باید در این وضع مداخله کرده و سیاست‌ها، قوانین یا تدابیری بیندیشد که نقدینگی و پول در اختیار مردم در جای مناسب هزینه شود.

پس می‌توان شرایطی را متصور شد که در آن حتی امور شخصی که جزو ابتدایی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شوند، مورد مداخله دیگری قرار گیرند. منطقی که من برای اثبات مشروعیت مداخله در امور شخصی ترسیم کرده‌ام به لحاظ صوری دارای سه عنصر مهم است: ۱. وجود وضع بهنجار مورد پذیرش عموم ۲.عنصری که این وضع بهنجار را به مخاطره انداخته و توافق بین‌الاذهانی راجع به آن عنصر مخرب وجود دارد و ۳. تصدیق مشروعیت مداخله در آن عنصر؛ حال این منطق را می‌توان درباره حجاب و پوشش به مثابه امری فردی و شخصی به کار برد. صورت این استدلال درباره حجاب این‌گونه خواهد بود:

وضع بهنجار جنسی در جامعه این است که ارضای نیاز جنسی افراد از طرق مشروع، قانونی و مورد پذیرش عرف که همان ازدواج است، صورت گیرد و طرق دیگر نابهنجار هستند. حتی اگر در مطلوبیت ازدواج در جامعه فعلی اتفاق نظر وجود نداشته باشد(که به نظر من در اکثریت وجود دارد) در مذمت و نکوهش شیوه‌های غیر اخلاقی برآوردن چنین نیازی توافق نظر وجود دارد.

حال اگر به علم حضوری و وجدان فردی تصدیق کنیم که میان زن و مرد به طور طبیعی کشش جنسی وجود دارد و این دو در شرایط طبیعی و نرمال نسبت به یکدیگر جنبه تحریک‌کنندگی دارند، و نیز بپذیریم که همه افراد جامعه در شرایط فعلی دسترسی به طرق مشروع ارضای نیاز جنسی ندارند، منطقاً باید به مداخله در جهت کاهش زمینه‌های تحریک جنسی در جامعه حکم داده و به مشروعیت آن رأی بدهیم. زمینه‌های تحریک جنسی در جامعه در ساحت فضای مجازی می‌شود سایت‌های مبتذل و در ساحت فضای عینی می‌شود بدپوشی و آرایش جنسی!

## نکته

**حسام آبنوس**
روزنامه‌نگار

### مطالعه متون دینی و تحصیلات تکمیلی

زیاد پیش آمده است که افراد سؤال می‌پرسند چه بخوانیم. وقتی دقیق‌تر می‌شوی، افراد سؤالشان را عوض می‌کنند. برخی می‌خواهند بخوانند تا بدانند و بعضی می‌خواهند بنویسند و دنبال کتابی می‌گردند که نوشتن را یادشان بدهد و دسته دیگری هم هستند که حس می‌کنند باید چیز خاصی بخوانند تا ذهنشان سوژه بسازد که بتوانند بنویسند. برای هر کدام از اینها می‌توان پیشنهادهایی داشت ولی اگر کمی صبر کرده و در دادن پاسخ درنگ کنیم، می‌توانیم سؤالشان را بازهم جزئی‌تر کنیم و متوجه شویم دقیقاً دنبال چه چیزی هستند، ولی حالا روی سخن این یادداشت با کسانی است که می‌خواهند بنویسند ولی حس می‌کنند سوژه خوبی در دست ندارند یا نیاز است دستگیره خوبی پیدا کنند تا بتوانند سفت بچسبند و چیزی بنویسند. برای اینکه به پاسخ این سؤال برسیم نکته‌ای را که در یک کتاب از یک نویسنده غربی می‌خواندم، برایتان می‌نویسم.

همان‌طور که گفتم، داشتم کتابی از یک نویسنده غربی می‌خواندم که با این جمله مواجه شدم:«مطالعه کتاب مقدس، یک واحد تحصیلات تکمیلی از غنی‌ترین دستاوردهای تجارب انسان است.» این جمله هم برایم جالب بود و هم من را یاد نقل قولی از برتولت برشت (نمایشنامه‌نویس) انداخت. یعنی اگر آن نقل قول را نخوانده بودم احتمالاً تعجب می‌کردم، یعنی چطور ممکن است خواندن متون کتاب مقدس تا این اندازه مهم باشد؟ اتفاقی که بعد از خواندن نقل قول برشت ذهنم را درگیر کرد. ماجرا از این قرار بود که رضا قاسمی (نویسنده رمان «همنوایی شبانه ارکستر چوب‌ها») در مصاحبه‌ای می‌گوید:«یک مصاحبه خوانده بودم از برشت که گفته بود اگر قرار باشد من را در جایی حبس کنند و بگویند فقط یک کتاب می‌توانی با خودت ببری، من کتاب مقدس را می‌برم.» قاسمی در ادامه می‌گوید:«این برای من خیلی جالب بود. این و خیلی چیزهای این شکلی به من یاد داده بود که وقتی می‌خواهم نمایشنامه بنویسم و حرفی برای گفتن داشته باشم، از طریق خواندن نمایشنامه‌های دیگران مهیا نمی‌شود. من باید بروم سراغ سرچشمه‌های خودمان. باید کتاب مقدس، گاتاها، قرآن و ادبیات خودمان را بخوانم.»

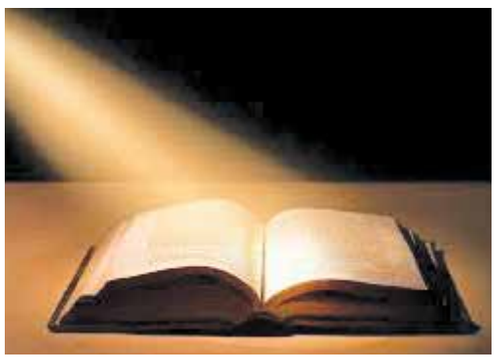

موارد دیگری هم از این دست در خاطرم هست که مثلاً یک نویسنده برای دوره زندانش اولین کتابی که درخواست کرده، یک نسخه از سه‌گانه دانته بوده که تمام این موارد نشان می‌دهد بدون توجه به مواریث و متون اصلی نمی‌توان تجربه‌اندوزی کرد و جهان تازه‌ای آفرید. یعنی آنچه معنا می‌آفریند در همان چیزهایی است که دم دستمان است و ما آنها را خوب ندیده‌ایم؛ چیزهایی که شاید فکر کنیم چه دخلی به نوشتن داستان، رمان و فیلمنامه دارد ولی واقعیت همین است. متون مقدس که معانی در لایه‌های مختلف آنها پنهان شده است، می‌توانند منبع الهام‌بخشی باشند برای کسانی که اهل تأمل و دقت هستند. بگذریم که به تعداد خوانندگان آنها، تأویل و تفسیر وجود دارد و همین می‌تواند راهی برای ورود به دنیای معانی تازه باشد.

## یادداشت

**سعید فلاح‌فر**
پژوهشگر هنر

### مراقب نقاشی‌ها باشید

تابلوهای نقاشی نیاز به مراقبت دارند و هر چقدر ارزش تاریخی و هنری این نقاشی‌ها بیشتر باشد، نگهداری از آنها حساسیت بیشتری دارد. امروزه متخصصین زیادی در این زمینه فعالیت می‌کنند و فناوری‌های جدیدی به کار گرفته می‌شوند. یکی از مهمترین وظایف موزه‌های هنری تأمین شرایط مطلوب برای حفظ آثاری است که در اختیار دارند یا به نمایش می‌گذارند. نگهداری، آسیب‌شناسی و مرمت آثار هنری موضوع پیچیده‌ای است و نیاز به دانش و تجربه زیادی دارد. البته بعضی از اصول بدیهی نگهداری ممکن است کاربرد عام‌تری داشته باشد. تابلوهای نقاشی یکی از ارائه‌های خانه‌ها و دفاتر کار ایرانی‌ها هستند و همین آثار هم نیاز به توجهاتی دارند. عوارض ظاهری ممکن

> عوامل مخل پنهانی هم وجود دارند که می‌توانند یک نقاشی را نابود کنند. بعضی از عوامل قابل کنترل یا حداقل قابل تشخیص و مداوای بموقع است. گرما و رطوبت بالا، خصوصاً تغییرات ناگهانی و شدید گرما و رطوبت یکی از بزرگترین دشمنان آثار هنری هستند

است زودتر به چشم بیایند اما آسیب‌های بصری تمام موضوع تخریب نیستند. منشأ آسیب‌ها ممکن است فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی و... یا زنجیره‌ای از چندین عامل باشد. آسیب‌های فیزیکی -عمدی یا سهوی- خطری جدی برای تابلوهای نقاشی محسوب می‌شوند. شکستگی، پارگی، سائیدگی و... در اثر حمل و نقل اشتباه، بسته‌بندی نامناسب، ضربه و برخورد اشیای برنده، برخورد پرندگان و حیوانات خانگی، رفتارهای خصمانه و... همواره این آثار را تهدید می‌کنند. جنگ، بلایایی مثل سیل و زلزله و... هم عامل بعضی از این دست تخریب‌ها شده‌اند. اما عوامل مخل پنهانی هم وجود دارند که می‌توانند یک نقاشی را نابود کنند. بعضی از عوامل قابل کنترل یا حداقل قابل تشخیص و مداوای بموقع است. گرما و رطوبت بالا، خصوصاً تغییرات ناگهانی و شدید گرما و رطوبت یکی از بزرگترین دشمنان آثار هنری هستند. ضریب انبساط و انقباض مواد مختلف یک تابلوی نقاشی و سست شدن پیوند و چسبندگی بین اجزا-مثل فاصله بین لایه رنگ و بستر نقاشی- باعث چین خوردگی، طبله، ترک و ریختگی قسمت‌های مختلف خواهد شد. این دو عامل حتی می‌توانند شرایط را برای فعال شدن سایر عوامل مخرب مهیا کنند. افزایش واکنش‌های شیمیایی مخرب، تسریع عوامل پیری و فرسایش، تکثیر حشرات، شوره، کپک‌زدگی و... می‌توانند حاصل همین شرایط دما و رطوبت باشند. جانوران و حشرات با تغذیه از موادی مثل چوب، کاغذ، پارچه و... و به جا گذاشتن مدفوع و فضله، موجب نابودی آثار نقاشی می‌شوند. میکروارگانیسم‌ها هم تأثیرات مشابهی به‌جا می‌گذارند؛ خصوصاً تهویه ناقص هوا و تاریک بودن محل نگهداری آثار هنری گاهی موجب تشدید بروز این عوامل و عدم تشخیص بموقع می‌شوند. در شهرهای صنعتی، آلودگی‌های هوا می‌تواند منشأ آسیب‌های جدی باشد. هر نوع مواد و ذرات آلوده، حتی عواملی که از تنفس انسان، آلودگی و تماس چربی دست و... روی اثر باقی می‌مانند، منجر به کثیفی، تغییر رنگ آثار، ایجاد واکنش‌های اسیدی و خورنده در سطح کار و... خواهند شد. استفاده از مواد شیمیایی و شوینده‌های نامناسب را هم باید در نظر داشت. کیفیت، شدت و طول زمان تابش نور هم می‌تواند یکی از مهمترین عوامل در تخریب آثار نقاشی باشد. شدت نور و بویژه میزان اشعه فرابنفش، دو عامل در آغاز و تکمیل فرایندهای فتوشیمیایی مخرب هستند که عمدتاً باعث رنگ‌پریدگی آثار، شکنندگی کاغذ و... می‌شوند.

## عکس‌نوشت

الهام حاجی‌زاده دختر ۲۷ ساله دامغانی که تحصیلات خود را در رشته فیزیولوژی ورزشی و در مقطع کارشناسی ارشد به پایان رسانده، از سه سال قبل فعالیت در حرفه نجاری را آغاز کرده است. او چشم‌اندازش از وارد شدن به این حرفه را رؤیای کارآفرینی و اشتغالزایی در شهرش بیان می‌کند. **| ایسنا**